



Studies on Israel - US
Vol 24. No 1. Spring 2023
Received date: 2023.01.31
Acceptance date: 2023.03.20



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The growth of takfiri tendencies in the West Asian region and Israel's special benefits

Khodadad Hoseini Sefat¹



Abstract

The ISIS, which is considered one of the most radical Salafi groups, has introduced itself to the world as a government in the last few years under various titles such as the Islamic State of Iraq and the Levant (ISIS) or the Islamic Caliphate Center, or the Islamic State, and Abu Bakr al-Baghdadi as the caliph of all Muslims in the world. They have chosen their leader and asked all Muslims to pledge allegiance to him by capturing Mosul in 2013 and attacking Iraq and capturing almost half of the territory of Iraq. Iraqi Shia joined them and they stopped almost after a while, but despite this, ISIS tried to recruit young Muslims from all over the world with all kinds of propaganda. And we have witnessed the recruitment of ISIS from most of the Islamic and non-Islamic countries, in the meantime, the Kurdistan region, including the Kurdistan region of northern Iraq and western Iran, has been the target of ISIS's media propaganda to attract Kurdish youth, which seems to have helped to some extent in recruiting troops, especially in Iraqi Kurdistan. It has been successful, but it has not been able to gain serious influence or recruit troops among the Kurds of Iran, although we do not deny the tendency of some of these young people in the Oramanat region to join ISIS, of course, the reasons for these tendencies can be determined according to the survey conducted among the people of the region. It has become clear for us to some extent and we will continue to deal with it.

Keywords: Radical or Takfiri Groups, Religious Terrorism, Violence in the Name of Religion, Failed Government.

¹ Graduated with a Master's Degree in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی

دوره ۲۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

رشد گرایش‌های تکفیری در منطقه غرب آسیا و بهره‌مندی‌های خاص اسرائیل

خداداد حسینی صفت^۱



چکیده

گروه داعش که از تندروترین گروه‌های سلفی محسوب می‌شود در چند سال اخیر تحت عناوین مختلف مثل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و یا مرکز خلافت اسلامی یا همان دولت اسلامی خود را به‌عنوان یک دولت به جهانیان معرفی کرده و ابوبکر البغدادی را به‌عنوان خلیفه تمام مسلمین جهان به‌عنوان رهبر خود منتخب نموده و از تمامی مسلمانان خواسته‌اند که با وی بیعت نمایند. با تصرف موصل در سال ۲۰۱۳ و حمله به عراق و تصرف تقریباً نیمی از خاک عراق، داعش قدرت جنگاوری خود را به رخ جهانیان کشید که البته با مقابله به مثلی که توسط ایران و چند کشور غربی و مرجعیت شیعه عراق با آنان شد، تقریباً بعد از مدتی متوقف شدند. اما با این اوصاف داعش با انواع تبلیغات سعی در جذب نیرو از تمامی نقاط جهان در میان جوانان مسلمان نمود و ما شاهد یارگیری داعش از اغلب ممالک اسلامی و غیر اسلامی بوده‌ایم. در این میان منطقه کردستان اعم از اکراد شمال عراق و غرب ایران آماج تبلیغات رسانه‌ای داعش برای جذب جوانان کرد بوده است که به نظر می‌رسد تا حدودی در جذب نیرو به‌خصوص در کردستان عراق موفق بوده اما در میان کردهای ایران نتوانسته به‌طور جدی نفوذ پیدا کند یا موفق به جذب نیرو شود؛ هر چند ما منکر گرایش تعدادی از این جوانان در منطقه اورامانات به داعش نیستیم که البته دلایل این گرایش‌ها با توجه به نظرسنجی‌ای که از مردم منطقه صورت گرفته تا حدودی برای ما روشن شده و در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: گروه‌های تکفیری، تروریسم دینی، شریعت‌گرایی، خشونت به نام دین، دولت درمانده.

بیان مسئله

با توجه به شکل‌گیری جریان‌های سلفی و افراطی در منطقه و همچنین زایش گروهک داعش از میان این جریان که در حال حاضر به‌عنوان رادیکال‌ترین گروه سلفیسم در منطقه می‌باشد و ایجاد مرکز خلافت در شهر موصل و انگیزه و تبلیغات این گروه برای کشورگشایی و جذب نیرو از تمام نقاط جهان لازم دیدم میزان محبوبیت و نفوذ عقیدتی-سیاسی این گروه را در میان جامعه اهل سنت غرب کشور و در منطقه‌ای خاص به اسم اورامانات واقع در استان کرمانشاه مورد سنجش و ارزیابی قرار بدهم.

لازم به ذکر است که دلیل انتخاب اورامانات، مذهبی بودن مردم این منطقه و نفوذ و گسترش سلفیسم نرم در سال‌های اخیر در این نقطه از کشور بوده است. در تحقیقی که به‌صورت پرسشنامه‌ای در میان مردم صورت گرفت به موضوعات مهم و تامل‌برانگیزی در رابطه با ذهنیت و علاقه مردم به گروهک داعش و دلایل این گرایش پرداخته می‌شود.

اورامانات به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و فرهنگ غنی مردم توانسته تا کنون در برابر ورود فرهنگ‌های مهاجم از خود مقاومت نشان داده و در حفظ فرهنگ خویش کوشا باشند، به‌طوری که تنها نقطه‌ای در کشور محسوب می‌شود که همچنان به‌طور یکدست و فراگیر از لباس محلی استفاده می‌نمایند.

مردمان اورامانات دارای روحیه بالای سلحشوری و مبارزه می‌باشند به‌طوری که بارها این موضوع را به اثبات رسانده‌اند؛ به‌عنوان مثال ما می‌توانیم از مبارزه مردم جوانرود با رژیم طاغوت در سال ۱۳۲۹ به‌عنوان تنها عشایر مسلح در کشور تا آن تاریخ یاد کنیم که تسلیم سیاست‌های ضدفرهنگی رژیم نشده بودند و همچنان برای حفظ ارزش‌ها و فرهنگ عشایری و ایلاتی با رژیم مبارزه می‌کردند و در این راه تعداد بسیار زیادی از مردم منطقه توسط عوامل رژیم قتل عام شدند. در طول جنگ ۸ ساله نیز با حضور در نبرد با دشمن و تقدیم هزاران شهید ثابت کردند که در مسیر دفاع از کشور استوار قدم هستند. مردمان این خطه به خاطر عشق و علاقه به اسلام و میهن اسلامی همیشه مدافعین قابل اعتمادی برای دفاع از مرزهای کشور بوده‌اند، امروزه در اورامانات دارای جمعیت فعال، تحصیل‌کرده، کنجکاو و باهوشی هستیم که متأسفانه به دلیل عدم زیرساخت‌های مناسب در منطقه آن‌طور که باید و شاید از این همه ظرفیت استفاده به عمل نمی‌آید و به دلیل بیکاری فراوانی که در منطقه شاهد آن هستیم متأسفانه اکثر انرژی جوانان به هدر رفته یا اینکه گروهی فرصت‌طلب با عناوین مختلف تحت عنوان قومیت و مذهب در پی جذب این جوانان و تحریک آنان علیه حاکمیت می‌باشند.

در این میان گروهک داعش با اقسام ترfnدها سعی در جذب این جوانان و استفاده از احساسات آنها در جهت تعمیق اختلافات مذهبی و عقیدتی با سایر مذاهب موجود در منطقه و همچنین عجز کردن آنها برای عملیات‌های انتحاری نموده و باید یادآور شویم که متأسفانه تا حدودی هرچند اندک نیز در این راستا موفق بوده است.

بدیهی است در این موقعیت حساس و استثنایی که جهان اسلام دچار هرج و مرج و اختلافات مذهبی شده است و به‌طور جدی و گسترده خطر گروه‌های افراطی و تندرو را در اطراف کشورمان از افغانستان گرفته تا عراق و سوریه و یمن و بحرین و سایر بلاد اسلامی شاهد هستیم؛ باید بیش از پیش هوشیار بوده و با حفظ وحدت و ارائه الگوی مناسب از زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با تعامل متقابل سد نفوذی در برابر نفوذ داعش در کشور ایجاد نماییم.

مردم غرب ایران و به‌طور اخص مردم اورامانات به دلیل نزدیکی و قرابت به مرزهای عراق و تاثیرپذیری آنان از وقایع عراق باید به‌طور جدی مورد اهتمام مضاعف از طرف مسئولین محترم منطقه و کشور قرار بگیرند و جهت زدودن محرومیت از سیمای منطقه تلاش نمایند.

در همین راستا مقاله حاضر به نگرش مردم اورامانات به عملکرد گروهک داعش و مقدار مقبولیت این گروهک در میان مردم می‌پردازد.

مبانی نظری

از لحاظ تاریخی پیشینه جریان‌های تکفیری-جهادی در جهان اسلام به دوران خلیفه اول باز می‌گردد؛ زمانی که در جریان جنگ‌های رده دستگاه خلافت مخالفان خود را کافر و خارج از دین قلمداد کرد اما ظهور بارز این اندیشه که قالب شناخته شده‌تری دارد مربوط به جریان خوارج در دهه ۴۰ ه.ق است که از آنها به‌عنوان تکفیری‌های صدراسلام نام برده می‌شود؛ جریانی که از یک تردید و فهم غیر صحیح در خصوص اقدامات حضرت علی^(ع) پدیدار شد و برای اولین بار اهل قبله را تکفیر نمود. مبحث تکفیر و خارجی‌گری به دلیل اینکه با اندیشه‌های اسلامی نمی‌ساخت به مدت شش قرن از میان رفت تا اینکه در قرن هفتم ه.ق بار دیگر توسط ابن تیمیه حرافی با احیای واژه‌های تکفیر و جهاد نمود تازه‌ای یافت (Burker, ۲۰۰۴: ۵۴).

وقتی از گروه‌های سلفی و بنیادی سخن به میان می‌آوریم مجبور به سیر و تحقیقی تاریخی در مورد ریشه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های مربوط به جریان سلفیسم و بنیادگرایی اسلامی هستیم. سلفیسم به جریانی گفته می‌شود که خواستار برگشت جهان اسلام به دوران شکوفای اسلام در زمان پیامبر اعظم و خلفای راشدین هست که امورات مسلمین را در زمینه دین و دنیا رهبری می‌نمودند.

اولین کسی که به‌صورت جدی این اندیشه را مطرح و در مورد آن کتاب‌ها نوشت شخصی به اسم ابن تیمیه در قرن هفتم ه.ق بود. ابن تیمیه که خود را پیرو امام محمد حنبل می‌دانست، در دورانی زندگی می‌کرد که به قول خود او مسلمانان دچار انحطاط فکری و خرافه‌پرستی و شرک شده بودند (الشوکانی، ۲۰۱۲: ۲۶۰). ابن تیمیه هر نوع عقل‌گرایی و طرفداران این نحله فکری را مشرک و مرتد معرفی نموده و حکم به ارتداد آنها داد. او اعتقاد داشت که فلاسفه و اندیشمندان آن زمان با شبه‌افکنی مبتنی بر عقل در میان مردم دین خدا را از صراط مستقیم خارج نموده و آن را لوده به افکار انحرافی و شیطانی نموده‌اند، پس بنابراین با تمام مذاهب و نحله‌های فکری مبتنی بر عقل به مبارزه برخاست. ابن تیمیه پیرو نقل و حدیث و دشمن سرسخت شیعه و تصوف بود، او به خاطر عقایدش که سخت با مذاهب اسلامی در تضاد بود از دمشق اخراج شد و علمای آن روز تا مرز تکفیر وی پیش رفتند (بخشی، ۱۳۸۵: ۱۹۶). از همین رو است که وی با شیعیان در می‌ستیزد؛ چرا که شیعیان از دید وی اولاً برای آموزش‌های صحابه و تابعین ارزشی قائل نیستند و ثانیاً بسیاری از آیین‌ها و مراسم غیردینی را که در میان زرتشتیان، مسیحیان و... رایج بوده، جلوه‌ای اسلامی بخشیده و به اسلام وارد کرده‌اند. وی شیعیان را به این متهم می‌کند که با گسترش فرهنگ توسل، توحید را که اصلی‌ترین شعار اسلام است، از جایگاه خویش منحرف کرده‌اند. وی می‌گوید عرب‌های عصر پیش از اسلام، به خداوند معتقد بودند و همچنان که در قرآن هم یاد شده، صرفاً بت‌ها را شیعیان درگاه الهی می‌دانستند (عسقلانی، ۸۵۲: ۱۵۵). از دید وی، مهم‌ترین شعار پیامبر^(ص) ترویج خداپرستی نبود چرا که مردم همه خداپرست بودند، شعار پیامبر^(ص) ترویج این معنا بود که خدا از رگ گردن به مردم نزدیک‌تر است و واسطه‌ای نیاز ندارد. استدلال‌های گسترده او در کتاب‌هایی مانند قاعده جلیله فی التوسل و الوسیله، یا توحید الالوهیه و جز آنها عرضه شده است. ابن تیمیه البته از جانب شیعیان و هم‌عامه مسلمانان، با مخالفت‌های بسیار گسترده و پاسخ‌هایی نیز روبه‌رو شد.

در قرن ۱۱-۱۲ ه.ق شخصی به نام محمد عبدالوهاب بنیانگذار دیدگاه جدیدی در مذهب سنی حنبلی بود که بعدها به نام وهابیت در میان مسلمانان و علمای سنی عربستان ریشه گرفت. محمد ابن عبدالوهاب جریان تکفیر را وارد اندیشه خود کرد و آن را گسترش داد. در رساله کشف الشبهات ۲۴ بار مسلمانان غیر وهابی را مشرک و بیش از ۲۵ مرتبه آنان را کافر، بت‌پرست، مرتد و... معرفی نموده است (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۶۲). او در سال ۱۱۱۵ ه.ق در شهر عَیینه از توابع نجد

متولد گردید. پدر وی، شیخ عبدالوهاب از قضات آن شهر به‌شمار می‌رفت. محمد، فقه حنبلی را در زادگاه خود آموخت، سپس برای تکمیل معلومات رهسپار مدینه منوره شد و در آنجا به تحصیل حدیث و فقه پرداخت. در دوران تحصیل در مدینه، گه‌گاه مطالبی بر زبانش جاری می‌شد که از عقایدی خاص حکایت داشت، چندان که اساتید وی نسبت به آینده‌اش نگران شده و می‌گفتند: اگر این فرد به تبلیغ پردازد گروهی را گمراه خواهد کرد (آلوسی، ۱۹۲۹: ۱۱۳-۱۱۱).

چندی بعد، محمد بن عبدالوهاب، مدینه را به سوی نقاط دیگر ترک کرد و چهار سال در بصره و پنج سال در بغداد و یک سال در کردستان و دو سال در همدان اقامت گزید. اندک زمانی نیز رحل اقامت در اصفهان و قم افکند و آنگاه از طریق بصره آهنگ احساء کرد و از آنجا به «حُریمله» اقامتگاه پدرش رفت. تا زمانی که پدرش در قید حیات بود وی در مورد عقایدش کمتر سخن می‌گفت، گرچه گاهی میان او و پدرش نزاعی در می‌گرفت. پس از درگذشت پدر به سال ۱۱۵۳ ق، از روی عقاید خود پرده برداشت (ابن غمام، ۱۴۲۳: ۲۳).

تبلیغات محمد ابن عبدالوهاب در شهر حریمله افکار عمومی را برآشت، به گونه‌ای که ناچار شد آنجا را به عزم اقامت در عیینه (زادگاهش) ترک کند. در عیینه با حاکم وقت، عثمان بن معمر، تماس گرفت و دعوت جدید خود را با او در میان گذاشت و قرار شد با پشتیبانی حاکم، آیین خود را تبلیغ کند. طولی نکشید فرمانروای احساء، شیخ سلیمان بن محمد آل حمید، که مقامی برتر از حاکم عیینه داشت، عمل حاکم را ناروا شمرد و دستور داد هرچه زودتر محمد ابن عبدالوهاب را از شهر عیینه بیرون کند. بنابراین وی ناچار شد نقطه سومی را به نام درعیه برای اقامت برگزیند که محمد بن سعود (جد آل سعود) بر آن حکومت می‌کرد. او دعوت خود را با حاکم درعیه در میان نهاد و هر دو پیمان بستند که رشته دعوت از آن محمد ابن عبدالوهاب و زمام حکومت در دست محمد بن سعود باشد. برای استحکام این روابط، ازدواجی نیز بین دو خانواده صورت گرفت.

محمد ابن عبدالوهاب تبلیغ خود را در پرتو قدرت حاکم محمد بن سعود آغاز کرد. به زودی هجوم به قبایل اطراف و شهرهای نزدیک شروع شد و سیل غنایم از اطراف و اکناف به شهر درعیه که شهر فقیر و بدبختی بود، سرازیر گشت. این غنایم چیزی جز اموال مسلمانان منطقه نجد نبود که با متهم شدن به شرک و بت‌پرستی، اموال و ثروتشان بر سپاه محمد ابن عبدالوهاب حلال شده بود تا آنجا که آلوسی که خود تمایلات وهابی‌گری دارد، از مورخی به نام ابن بشر نجدی چنین نقل می‌کند:

«من در آغاز کار، شاهد فقر و تنگدستی مردم درعیه بودم ولی بعداً این شهر در زمان سعود (نوه محمد بن سعود) به‌صورت شهری ثروتمند درآمد، تا آنجا که سلاح‌های مردم آن، با زر و سیم زینت یافته بود. بر اسبان اصیل و نجیب سوار می‌شدند و جامه‌های فاخر در بر می‌کردند و از تمام لوازم ثروت بهره‌مند بودند، به حدی که زبان از شرح آن قاصر است».

دو چیز به انتشار دعوت محمد ابن عبدالوهاب در میان اعراب بادیه‌نشین نجد کمک کرد: ۱. حمایت سیاسی و نظامی آل سعود ۲. دوری مردم نجد از تمدن و معارف و حقایق اسلامی.

امروزه گروه‌های اسلامی که ما از آنان صحبت می‌کنیم به نحوی دنباله‌رو اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب محسوب می‌شوند.

ابن تیمیه به‌عنوان بنیانگذار سلفیسم و عبدالوهاب به‌عنوان ادامه‌دهنده راه آن و در عصر حاضر اشخاص جدیدی مثل رشید رضا می‌توانند به‌عنوان ایده‌پردازان ایدئولوژی سلفیسم قرار گیرند.

البته رشید رضا با توجه به نظریه‌پردازی مشهور خود در مورد برقراری مجدد دولت خلافت نقش برجسته و موثری در حرکت جریان‌های اسلام‌گرا به سوی ایجاد دولت خلافت مورد ادعای داعش دارد. رشید رضا در مورد خلافت نظریاتی ارائه کرده که به‌طور مختصر به آن می‌پردازیم.

رشید رضا پس از الغای خلافت عثمانی به مسئله خلافت هنوز امیدوار بود. او به‌عنوان مرید محمد عبده دل به اصلاحات دینی ترکان جوان دوخت اما چون از آنها مأیوس شد به قومیت‌گرایی عربی روی آورد که حاصل سرخوردگی او از امیدهایی بود که به اصلاحات اسلامی ترکان جوان بسته بود. وی به همین دلیل دست به نگارش کتاب الخلافه او الامامه العظمی زد، وی به احیای خلافت به‌عنوان مرجعی دینی می‌اندیشید که عامل اتحاد و پیوستگی مسلمین در عین احترام به استقلال قومیتی باشد. او به دنبال ایجاد کنفدراسیونی از کشورهای اسلامی بود که خلیفه در رأس آنها قرار داشت بنابراین در نگاه او اختیارات سیاسی خلیفه عملاً وجود خارجی نداشت و تنها کاری که طی این نهاد به او سپرده شده بود توجه به موضوعاتی است که حکومت‌های جدید چندان توجهی به آن نداشتند مثل اخلاقیات اسلامی، تحصیل و آموزش اسلامی و بسط فرهنگ دینی. رضا خلافت را مظهر پیوستگی دین و دولت در اسلام می‌دانست و تحقق همه آرمان‌های این جهانی اسلام را وابسته به آن می‌دید (آنتونی بلک، ۱۳۸۵: ۵۰۴). او در تعریف خلافت می‌گوید: «خلافت اضطرار، خلافتی است که با تایید اهل حل و عقد شکل می‌گیرد. ولو برخی از شروط در آن رعایت نشود، از آن رو که از روی تغلب و سلطه جریان پیدا می‌کند، مشروع است». رشید رضا در ادامه فرق این نوع خلافت و انواع سابق آن را این می‌داند که: «در انواع قبلی و سابق آن [خلافت اختیار] اهل حل و عقد به اختیار یک نفر را به لحاظ دارا بودن تمام شرایط و امتیازات بر دیگران امتیاز داده، به خلافت منصوب می‌کردند (رشید رضا، ۱۹۳۴: ۳۷). اما در این نوع [خلافت اضطرار] خلیفه خود را با اتکا به نیروی عصبیت و زور بر این مقام تحمیل کرده و اهل حل و عقد نه به دلیل کسب شرایط لازم، بلکه به دلیل زور و اجباری که به آنها اعمال می‌شود مجبور به انتصاب خلیفه اضطرار هستند. وی در ادامه به توجیه این نوع خلافت پرداخته، می‌افزاید: «پذیرش این سلطنت سلطه و تغلب همانند خوردن مردار یا گوشت خوک در وقت اضطرار است و بر همگان واجب است که از سعی دائم برای ازاله و معدوم کردن این حکومت دست بر ندارند (رشید رضا، ۱۹۳۴: ۳۷).

رشید رضا از اشاره به این نکته ابائی ندارد که سلطنت عثمانی نوعی از خلافت و سلطه تغلب بوده که تلاش برای سرنگونی و ازاله آن واجب و قطعی است، اما از آنجایی که این مهم به دست کشورهای غربی در جنگ جهانی شکل گرفت و نیز با سرنگونی این خلافت، عصبیت ترکی به‌شدت رشد کرده و مصطفی کمال خلافت را تنها مجاز به دخالت در امور دینی دانست، رضا خلافت عثمانی را «سلطه تغلب و استیلای دگرگون» نامیده، می‌افزاید آیا «نمی‌بینید که غربیان با اتکا به علوم اجتماعی چطور در سرنگونی حکومت‌های جائز و سلاطین مستبد موفق شده‌اند؟» (رفیعی، ۱۳۹۰: ۳۸).

قوم ترک هم از این قافله عقب نمانده و تحت تاثیر همین افکار قرار گرفته است، اما حکومت متغلب و سلطه‌گری را به امید جانشینی حکومتی دیگر سرنگون کرده، که امید است بهتر از اولی باشد، اما [آنطور که ما می‌بینیم] اعمال‌شان کاملاً تقلیدی از کشورهای غربی و بیگانه است. در این صورت است که اگر تمام علمای ترک، مصر و هند و غیر آن را از تمام جهان اسلام گرد هم آوریم اطاعت از خلفاء سلاطین عثمانی را بر خود واجب می‌دانند، مادامی که کفر و ارتداد از اسلام در اعمال و افکارشان مشاهده نشود و نیز ظلم و فساد و خرابی در بلاد و سخت‌گیری بر رعایا را وجهه همت خویش قرار ندهند (رشید رضا، ۱۹۲۵: ۳۷).

این اصلی است که نزد همگان پذیرفته شده و هیچ اجتهاد و نظری غیر آن نزد هیچکس پذیرفته نیست. جدایی خلافت و سلطنت در نگاه رشید رضا به معنای مدافعه از سلطان ناتوان که بر اجرای احکام شرعی امامت عاجز باشد نیست، بلکه او در سر خویش تجدید خلافت شورای عهد راشدین را می‌پروراند. او در این باب پس از فهم موانع استقرار این خلافت در عربستان و حجاز، به آن دلیل که «شریف حسین که غالب بر حجاز است نگاه مویدانه و امیدوارانه‌ای به دول غیراسلامی دارد که بسیار دور از خواست جمیع مسلمین است» (عنایت، ۱۳۶۱: ۱۲۹). البته خود رشید رضا هم از آرمانی بودن ایده‌اش

مطلع بود اما به هیچ وجه یأس و ناامیدی به خود راه نمی‌داد و می‌گفت: «تلاش ما بر این است که این حزب را در ترکیه بنا کنیم و احزاب ترک را به شرکت در آن راضی نمائیم که ابتدائاً مرکز خلافت و دولت در آن کشور جا بگیرد، حال اگر نپذیرفتند باید به یک منطقه ثانویه که ترکان و اعراب و کردها در آن منطقه اکثریت داشته باشند مانند موصل در عراق یا آناتولی در سوریه توافق نمود» (رشید رضا، ۱۹۲۵: ۷۴).

به این ترتیب رشید رضا به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز معاصر در باب ایجاد دولت خلافت نقش موثر و کلیدی در باب جریان‌های بنیادگرای اسلامی برای نیل به این هدف ایجاد نمود. جریان اخوان‌المسلمین مصر با رهبری سید قطب به‌عنوان پرچمدار اسلام رادیکال نقش موثری در به راه انداختن مبارزه مسلحانه علیه حکومت‌های منطقه و طرفدار غرب داشت (بخشی، ۱۳۸۵: ۱۹۷-۱۹۸).

اخوان‌المسلمین در مصر از آغاز تا به امروز فراز و نشیب‌ها و انشعاب‌هایی را پشت سر گذاشته است. سید قطب به‌عنوان عضو برجسته اخوان‌المسلمین و اندیشه‌های انقلابی او زمینه انشعاب‌های گوناگون در درون این جنبش را فراهم ساخت. آموزه‌های سید قطب و تفسیرهای گوناگون از اندیشه‌های وی در جناح‌بندی‌های جدید و حرکت‌های بنیادگرا در دوران معاصر در میان اهل سنت مؤثر بوده است. اعضای جوان اخوان‌المسلمین به تدریج از رهبران ارشد فاصله گرفتند و بر اساس برداشت‌های گوناگون از تعالیم سید قطب در اواخر دهه ۱۹۶۰م شکل‌های دیگری را که در واقع تشکل‌های بنیادگرا و پیکارجوی سلفی است، در میان اهل سنت به وجود آوردند (دکمجان، ۱۳۶۶: ۱۱۸).

اندیشه بنیادگرا و رادیکال سلفی در جهان اسلام که نشأت گرفته از آموزه‌های وهابی است، توسط گروه‌های تندروی دیگر البته با الهام از آموزه‌های شاخه‌های رادیکال اخوان، در سرزمین‌های دیگر اسلامی مانند افغانستان و پاکستان منشأ تحولات دیگری در جهان معاصر بوده است.

ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابو مصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرده و «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار، وسیع‌ترین استان عراق، محسوب می‌شد. در ۱۳ اکتبر همین سال مجلس شورا به همراه چند گروه شورشی دیگر «دولت اسلامی عراق» را تشکیل داد. ابویوب المصری و ابو عمر بغدادی دو رهبر اصلی دولت اسلامی عراق بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر بغدادی جایگزین آنها شد (نشریه سرباز، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

مهم‌ترین عامل قدر تیابی جریان‌های تکفیری بدون هیچ شک و شبهه‌ای، حضور نظامی آمریکا در منطقه در یک دهه اخیر است. بر اساس تفکر سید قطب، همه مشکلات ما از جاهلیت قرن بیستم است و جاهلیت قرن بیستم چیزی به غیر از فرهنگ غرب و دموکراسی و او مانسیم نیست. حال یک دهه است که آمریکا با تمام توان -حتی به‌صورت نظامی- آمده است تا این فرهنگ را در منطقه نهادینه کند. حال وظیفه یک مسلمان متدین غیرتمند چیست؟ جنگ و جهاد علیه آنان و مسببان و کمک‌کنندگان به آنان در منطقه (ثاقب، ماهنامه الکترونیک جهان اسلام، ۱۳۹۳: ۲۲).

حضور آمریکا در افغانستان باعث گردید که بسیاری از جوانان جماعه التبلیغ که به تبلیغ مذهب دیوبندی مشغول بودند و کاری به سیاست نداشتند، جذب گروه‌های تکفیری شده و احساس کنند امروز دیگر با تبلیغ نمی‌توان جهان اسلام را از ورطه سقوط نجات داد، لذا به جریان‌های تکفیری پیوسته و وزنه این جریان‌ها را سنگین‌تر می‌کنند. سقوط مرسی از حکومت در مصر باعث گردید که گروه‌های جهادی عزم خود را بیشتر جزم کرده و تصور کنند تنها راه باقیمانده برای احقاق حق خود، فقط جهاد و مبارزه مسلحانه است. یقیناً سقوط مرسی به گسترش افکار سلفیه جهادی و گروه‌های تکفیری کمک خواهد

کرد. اگر این اتفاقات در کشورهای دیگر مثل تونس و لیبی هم بیفتد و افراد سکولار در رأس امور قرار گیرند، یقیناً به قدر تبابی جریان‌های سلفی کمک خواهد کرد (همان: ۲۲).

به گزارش خبرگزاری‌ها در ۱۶ تیر ۱۳۹۳ اخیراً ادوارد اسنودن پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی ایالات متحده فاش کرده که داعش محصول مشترک آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی است. وی گفته که ابوبکر البغدادی خلیفه خودخوانده داعش، یک سال تمام تحت آموزش فشرده نیروهای موساد بوده و در زمینه علم سخنوری و الهیات هم دوره‌هایی را گذرانده است. ادوارد اسنودن ادامه داده که دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در طرحی تحت عنوان لانه زنبور مشارکت داشته‌اند (سرباز، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

هدف از این طرح، جمع کردن همه تندروها از نقاط مختلف جهان در یک مکان بود. بر اساس این طرح، باید دین و مذهب جدیدی در خاورمیانه به وجود می‌آمد که شعارهای اسلامی داشته باشد و احکام سختگیرانه‌ای را به اجرا گذاشته و هرگونه افکار و دیدگاه دیگر را به شدت رد کند. همچنین آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که تنها راه حفاظت از رژیم صهیونیستی، ایجاد جریانی در نزدیکی مرزهای آن است که سلاح خود را به سمت کشورهای اسلامی نشانه بگیرد، نه رژیم صهیونیستی (نشریه سرباز، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

غرب با ایجاد نسل دوم القاعده با نام داعش و جبهه النصره در محیط سوریه و حمایت از آنها تلاش کرد برای القاعده رقیبی را که اهداف متفاوتی دارد بترشد و تضادهای درون‌گروهی این دو جریان را جایگزین تضاد با آمریکا سازد. این علت پدید آمدن نسل جدید سلفی‌های تکفیری با اهدافی متفاوت با تشکل مادر، یعنی القاعده است. غرب با اجرای این پروژه همچنین سعی کرد فرایند بیداری اسلامی را تحت‌الشعاع قرار دهد و با وارد کردن بازیگر جدیدی به نام سلفی‌های تکفیری نسل دوم، تضاد میان مردم حوزه بیداری و نظام‌های وابسته به غرب را به میان خود مردم بکشانند. ناامنی گسترده در عراق، سوریه، لبنان، یمن، لیبی و شبه جزیره سینا حاصل این برنامه‌ریزی‌ها است (رویوران، ۱۳۹۳: ۳۹۳-۳۹۴).

در دسامبر ۲۰۰۴، در زمان جورج بوش شورای اطلاعات ملی آمریکا، با انتشار گزارش ۱۲۳ صفحه‌ای تحت عنوان «نقشه-ریزی آینده جهان» پیش‌بینی کرد در سال ۲۰۲۰ یک خلافت اسلامی ایجاد خواهد شد که از مدیترانه غربی به آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرق گسترش پیدا خواهد کرد. ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، ۱۰ سال پس از این گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا، در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ ایجاد خلافت اسلامی را اعلام کرد. نکته مهم دیگر این است که آمریکا و کشورهای عربی-غربی سعی می‌کنند داعش بیش از آنکه به‌عنوان ابزار اتحاد نظامی غرب جلوه کند، آن را یک موجودیت مستقل جلوه دهند (Chossudovsky, 2 July 2014).

هدف اصلی تروریست‌های داعش، تشکیل خلافت اسلامی است. ابوبکر البغدادی روز سی‌ام ژوئن رسماً اعلام کرد که خلافت اسلامی در محدوده عراق و سوریه تشکیل داده است. داعش در صدد است ۱۶ ولایت در عراق و سوریه را در اختیار بگیرد و خلافت اسلامی خود را در این ۱۶ ولایت تشکیل دهد که شامل ۹ ولایت در سوریه و ۷ ولایت در عراق است. ۹ ولایت مورد نظر داعش در سوریه عبارت هستند از: استان الحسکه، داعش پس از در اختیار گرفتن این استان، آن را ولایت البرکه نامید، استان دیرالزور، داعش پس از ورود به این استان، آن را ولایت الخیر نامید، استان الرقه، منطقه البادیه در مرز استان الانبار عراق، استان حلب، استان ادلب، استان دمشق، استان حما و منطقه ساحل. ۷ ولایت مورد نظر داعش در عراق نیز عبارت هستند از: استان بابل در بخش جنوبی عراق، استان دیالی، بخش‌هایی از بغداد استان صلاح الدین، استان نینوا، استان کرکوک و استان الانبار که بزرگترین و فعال‌ترین ولایت تحت کنترل داعش است (ماهنامه ارتش، ۱۳۹۳: ۵۳).

با آغاز جنگ داخلی سوریه نیروهای دولت اسلامی وارد سوریه نیز شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها به‌سرعت بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه را

تصرف کرده و شهر رقه را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرده و موفق شدند رمادی و فلوجه، مهم‌ترین شهرهای استان انبار در عراق، را به قلمرو خود اضافه کند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهم‌ترین موفقیت داعش با تصرف موصل -دومین شهر بزرگ عراق- به دست آمد. آنها در ماه‌های بعد نیز پیشروی‌های زیادی داشته و تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخش‌های شمال غربی عراق را در تصرف خود دارند. داعش در این دوره بخش‌هایی از متصرفات خود را نیز از دست داده و از جمله شهر مهم تکریت را در فروردین ۱۳۹۴ به ارتش عراق و نیروی شبه‌نظامی حشد شعبی که برای جنگ با این گروه تشکیل شده، واگذار کرد.

حمله به موصل عراق و انتخاب آن تحت عنوان مرکزیت خلافت نشان از یک سناریو و برنامه از قبل طراحی شده که آمیخته به یک اندیشه قدیمی تحت عنوان مرکزیت خلافت که نشأت گرفته از اندیشه رشید رضا است، می‌توان از آن یاد کرد. موصل شهری است فیما بین اعراب و ترک‌ها و کردها و انتخاب آن به‌عنوان مرکزیت خلافت حساسیت هیچ‌کدام از این اقوام را بر نمی‌انگیزد پس بنابراین شهری ایده‌آل برای اعلام حکومت خلافت می‌باشد (عنایت، ۱۳۶۳: ۸۰).

اما نقشه داعش برای سلطه بر مناطق کردنشین دارای ابعاد ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی می‌باشد. باید گفت که اقلیم کردنشین سوریه از منظر جغرافیایی از ابعاد مهم ژئوپلیتیکی برخوردار است، زیرا امتداد اقلیم کردستان (عراق) و مناطق کردنشین شمال (ترکیه) را تشکیل می‌دهد. اگر مرزهای غربی منتهی به سواحل دریای مدیترانه را در نظر بگیریم، این مسئله به منطقه کردنشین سوریه و همچنین اقلیم کردستان (عراق) موقعیت بسیار مهم ژئوسیاسی خواهد بخشید. بیشتر مناطق کردستان مناطق جب لالکرد و غفرین سوریه به‌ویژه در دره‌ها و کوهستانی است و این مسئله نوعی تنوع جغرافیایی در اقلیم به‌شمار می‌رود و به آن بعد کشاورزی همراه با وجود منابع معدنی در مناطق کوهستانی می‌بخشد. منابع آبی از جایگاه ویژه‌ای در این اقلیم برخوردارند، در خصوص آب‌های سطحی (رودخانه) باید گفت که اقلیم در مقایسه با بقیه مناطق در خاورمیانه از نظر منابع آبی غنی است و تعداد زیادی رودخانه که برخی از آنها در سطح جهانی بزرگ هستند و بعضی از آنها محلی و کوچک می‌باشند، از شمال مناطق جغرافیایی کردستان سرچشمه می‌گیرند (سایت خبری میروان پرس، آشنایی با مناطق کردنشین سوریه و مزیت‌های آن برای کردها، www.marivanpress.com).

این قضیه باعث شده تا داعش خود را به آب و آتش بزند تا از یک طرف به منابع خدادادی این منطقه تسلط پیدا کند و از طرف دیگر باعث قطع ارتباط زمینی کردها و در نتیجه امکان برقراری ارتباط با دیگر گروه‌های مسلح می‌شود.

کردستان عراق با دارا بودن منابع نفتی و گازی فراوان و همچنین هم‌مرز بودن با ایران و ترکیه می‌تواند منبع بزرگ و مناسبی برای درآمدزایی باشد و نقش استراتژیکی در پیشروی‌های بعدی داعش می‌توانست داشته باشد، به همین دلیل داعش با حمله به اقلیم و تبلیغات مداوم جهت جذب جوانان کرد سعی نمود جا پایی مناسب و مستحکم جهت نزدیک شدن به مرزهای ایران بردارد. ائتلاف تعدادی از احزاب اسلامی کرد مثل انصار الشریعه و جذب صدها جوان کرد عراقی نتیجه سیاست‌ها و تبلیغات داعش برای نفوذ در کردستان است.

به گفته عبدالوهاب فراتی مهم‌ترین دلیل گرایش جوانان مسلمان عرب و غیرعرب به داعش به جذابیت‌های ایدئولوژی آنها بر می‌گردد. ایدئولوژی گروه داعش بسیط و ساده است؛ آنها خود را گرفتار گفتگوهای تئوریک نمی‌کنند. این ایدئولوژی به‌شدت رادیکال است و محافظه‌کار نیست و سومین ویژگی این ایدئولوژی عمل‌گرایی است، داعش یک و نیم میلیارد مسلمان را در جهان مرتد می‌داند (پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه پژوهشی فرهنگی فهم، ۱۳۹۳: ۱).

عقاید داعش

یکی از وجوه مشترک داعش و خوارج اعتقاد آنها به عمل‌گرایی و تقدم عمل بر اندیشه است. یکی از مسائل اعتقادی که همزمان با پیدایش گروه خوارج در جامعه مسلمین مطرح شد این مسئله بود که آیا اسلام و ایمان تنها یک امر اعتقادی است

یا عمل کردن هم جزء آن است و بدون عمل اسلام و ایمان تحقق نمی‌یابد؛ در این زمینه خوارج با داخل کردن عمل در ایمان، ایمان را تنها اعتقاد قلبی ندانستند بلکه معتقد بودند عمل به اوامر و نواهی جزء ایمان است (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۱۱). به اعتقاد آنها کسی که شهادتین را به زبان آورده باشد اگر گناهی از او سر بزند ایمان خود را از دست داده و کافر شده است، از نظر آنها ماهیت ایمان عبارت است از قول، معرفت و عمل. آنها که اعمال را جزء ایمان می‌دانند معتقد هستند کسب مراتب گوناگون ایمان بر پایه اعمال استوار است و اقرار زبانی و ایمان قلبی را برای اثبات اسلام کافی نمی‌دانند (علامه حلی، ۱۳۷۸: ۵۹۵، علوی عاملی بی تا: ۵۹۵).

داعش معتقد است که مرزهای کنونی مابین کشورهای اسلامی که حاصل تجزیه امپراتوری عثمانی است، نتیجه قرارداد «سایکس-پیکو» موافقتنامه منعقد فرانس و بریتانیا است که ضروری هست برچیده شود؛ طبق همین اعتقاد، مرزها باید به حالت پیش از جنگ جهانی اول بازگردد. داعش به صراحت اعلام کرده که هدفش تشکیل یک دولت اسلامی است که با تسلط بر مردم و تشکیل نوعی حکومت مطلقه، می‌تواند از خود تصویر یک دولت نوظهور در عراق ترسیم کند (خبرگزاری مهر، ۲۳ تیر ۱۳۹۳).

یکی از باورهای اساسی این گروه اعتقاد به ظهور قریب‌الوقوع مهدی موعود و فرا رسیدن آخرت است و تقریباً تمام تصمیمات مهم و قوانین دولت اسلامی، مطالبی که در بیانیه‌ها و اعلامیه‌های خود بر روی تابلوها، گواهینامه‌ها، سکه‌ها و نوشت افزار درج می‌کنند، از پیشگویی‌های آخرالزمانی آنها پیروی می‌کند. ریشه این نگاه به نیروهای بنیانگذار القاعده عراق بر می‌گردد که در جلسات خصوصی خود مرتب از مشاهده علائم برپایی قیامت صحبت می‌کردند. به گفته ویل مک‌کاننس محقق موسسه بروکلین که کتابی در مورد فرجام‌گرایی داعشی‌ها نوشته است، یکی از اسلام‌گراهای برجسته عراق در سال ۲۰۰۸ به بن لادن هشدار داده بود که رهبری القاعده در عراق به دست افرادی افتاده که «مرتب در مورد مهدی صحبت می‌کنند و تصمیمات استراتژیک خود را بر همین اساس اتخاذ می‌کنند» به طوری که القاعده در نامه‌ای به آنها گفته بود که این بحث‌ها را تمام کنند (فراتی، ۱۳۹۳: ۱). اهمیت عجیبی که داعش برای شهر دابق قائل است به همین موضوع برمی‌گردد. دابق روستای بزرگی در شمال حلب است که وقتی نیروهای دولت اسلامی در سال ۲۰۱۴ آن را با هزینه سنگینی به تصرف خود آوردند به طرز جنون‌آمیزی شادمان بودند و جشن می‌گرفتند؛ در حالی که دابق در یک منطقه دشتی بدون هیچ اهمیت استراتژیک واقع شده است. داعش حتی نشریه رسمی خود را «دابق» نامگذاری کرده تا اهمیت این موضوع را آشکار کند. ارتباط دابق با آخرالزمان به حدیثی باز می‌گردد که در صحیح مسلم نقل شده که آخرالزمان وقتی فرا می‌رسد که جنگی میان سپاه اسلام و سپاه رومیان در دابق به وقوع می‌پیوندد و مسلمین با وجود تلفات زیاد به پیروزی می‌رسند. کلمه روم به امپراتوری روم شرقی اشاره دارد که اکنون وجود خارجی ندارد و نیروهای دولت اسلامی معتقد هستند منظور از آن سپاه کفار است و در حال حاضر با آمریکا قابل تطبیق است (سایت سخن آشنا، ۷ بهمن ۱۳۹۴: ۱).

بر اساس روایات آخرالزمانی مورد قبول داعش، پس از آن دجال از خراسان ظهور می‌کند و تعداد زیادی از مسلمانان را می‌کشد به طوری که فقط ۵ هزار نفر از آنها باقی مانده و در بیت‌المقدس محاصره می‌شوند. درست در زمانی که دجال آماده می‌شود تا کار آنها را یکسره کند، مسیح به زمین باز می‌گردد و دجال را از پا درآورده و سپاه مسلمین را به پیروزی می‌رساند. یکی از احادیث دیگری که از پیامبر در مورد فرا رسیدن قیامت نقل شده این است که زمانی فرا می‌رسد که مردم مدت‌ها است دیگر در مورد آن صحبت نمی‌کنند. از نظر داعشی‌ها اکنون همین شرایط وجود دارد و در هیچ مسجدی واعظان از این موضوع صحبت نمی‌کنند.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی می‌باشد و داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری شامل ساکنان بالای ۱۵ سال منطقه اورامانات است که بر مبنای فرمول کوکران ۳۸۲ دو نفر به‌عنوان جامعه نمونه محاسبه گردید و جهت به دست آوردن نتیجه مطلوب تعداد ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. در مرحله بعد پرسش‌نامه ساخت‌یافته‌ای که تنظیم شده بود، میان ساکنان توزیع گردید. در نهایت داده‌های به دست آمده از نظرات ساکنان با استفاده از آزمون T test تک‌نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

۱- SPSS یک نرم‌افزار آماری است که در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه از آن استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

اورامانات منطقه‌ای کوهستانی در منطقه شمال و شمال غرب استان کرمانشاه واقع شده است که شامل چهار شهرستان جوانرود-پاوه-روانسر و ثلاث باباجانی می‌باشد.

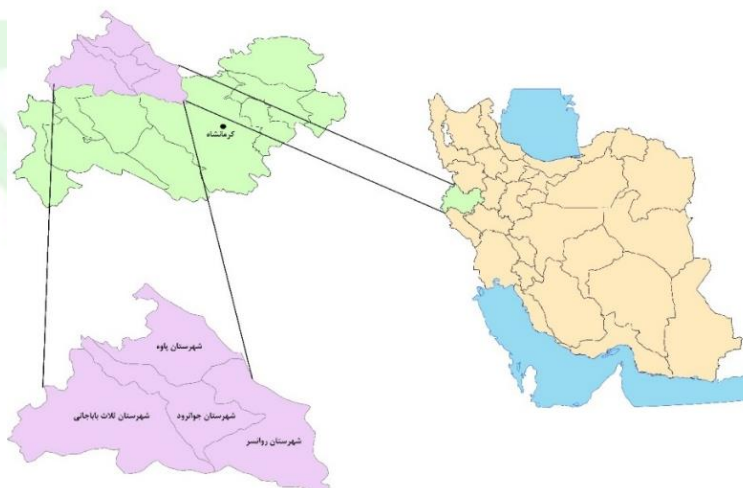
جمعیت: از نظر جمعیتی نزدیک به ۲۱۲۸۷۲ هزار نفر جمعیت دارد که شهرستان جوانرود طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ با جمعیتی بالغ بر ۷۱۲۳۵ هزار نفر پرجمعیت‌ترین شهر این منطقه محسوب می‌شود و شهرستان پاوه با ۵۶۷۳۷ نفر و روانسر با ۴۶۳۹۵ نفر و ثلاث باباجانی با ۳۸۴۷۵ نفر در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

زبان و نژاد: زبان مردم منطقه کردی با لهجه جافی و در قسمت پاوه با لهجه هورامی صحبت می‌کنند، نژاد مردم آریایی و از اصیل‌ترین مردمان ایرانی محسوب می‌شوند.

دین و مذهب: اهالی این منطقه پیرو دین اسلام و اکثراً اهل سنت و پیرو مذهب شافعی می‌باشند.

اقتصاد: از نظر اقتصادی مردم اورامانات بیشتر متکی به بازارچه‌های مرزی و دادوستد اهالی آن با منطقه اقلیم کردستان هستند. درصد پایین‌تری از مردم در قسمت‌های خدمات و تا حدودی کشاورزی و دامداری و در قسمت شهرستان پاوه به صنایع دستی مشغول به کار هستند، این در حالی است که به لحاظ سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی در بخش صنعت اورامانات یکی از فقیرترین و محروم‌ترین نقاط کشور است.

نقشه شماره ۱. محدوده مورد مطالعه



تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر افکار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی-مذهبی و سیاسی گروهک داعش از منظر مردم منطقه اورامانات سنجیده شده است. برای سنجش هر بعد نیز گویه‌هایی طراحی گردیده و نتایج حاصل از آنها در ذیل به صورت مختصر بیان شده است.

افکار اجتماعی

افکار اجتماعی گروهک داعش از دیدگاه مردم منطقه اورامانات با ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که ۸۶ درصد مردم مخالف شعارهای داعش در مورد عدالت و برابری هستند و ۱۳٫۸ درصد تا حدودی این شعارها را قبول دارند و تنها ۰٫۳ درصد بر این باورند عدالت و برابری در این گروهک صورت پذیرفته است. در ادامه افکار این گروهک در مورد حقوق زنان سنجیده شده است. نتایج نشان می‌دهد ۹۱٫۳ درصد مردم بر این باورند که این گروهک نسبت به حقوق زنان کاملاً بی‌توجه هستند و ۸٫۵ درصد نیز معتقدند تا حدودی حقوق زنان رعایت می‌شود و تنها ۰٫۳ درصد بر این باورند که حقوق زنان در این گروهک به نحو احسن در نظر گرفته شده است. زمینه برای تحصیل و پیشرفت علمی مردم در قلمرو داعش دیگر گویه‌ای است که مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد ۷۸٫۳ درصد بر این باورند که چنین زمینه‌ای برای مردم فراهم نیست و ۱۳٫۵ درصد بر این باورند که تا حدودی این زمینه فراهم است و تنها ۸٫۸ درصد مردم بر این باورند که در قلمرو داعش زمینه برای تحصیل و پیشرفت علمی مردم فراهم است. در نهایت نحوه آموزش کودکان در مدارس داعش مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است ۹۴٫۸ درصد مردم مخالف نحوه آموزش کودکان در مدارس داعش هستند و ۵٫۳ درصد مردم تا حدودی نحوه آموزش این گروهک را قبول دارند؛ لازم به ذکر است که موافقی در این زمینه وجود ندارد. در جدول شماره ۱ نتایج حاصل از سنجش افکار اجتماعی به صورت تفصیلی نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: سنجش افکار اجتماعی گروهک داعش از منظر مردم منطقه اورامانات

گویه‌ها	کاملًا موافقم	موافقم	تا حدودی	مخالفم	کاملًا مخالفم
شعارهای داعش در مورد عدالت و برابری را تایید می‌نمایم.	فراوانی	۰	۱	۵۵	۱۹۲
	درصد	۰	۰,۳	۱۳,۸	۴۸
برخورد داعش با حقوق زنان را مناسب می‌دانم.	فراوانی	۰	۱	۳۴	۲۴۳
	درصد	۰	۰,۳	۸,۵	۶۰,۸
در گروهک داعش زمینه برای تحصیل و پیشرفت علمی مردم فراهم است.	فراوانی	۰	۳۵	۵۴	۱۹۱
	درصد	۰	۸,۸	۱۳,۵	۴۷,۸
نحوه مبارزه گروهک داعش را با مفاسد اجتماعی تأیید می‌نمایم.	فراوانی	۰	۳۴	۵۶	۱۹۱
	درصد	۰	۸,۵	۱۳,۳	۴۷,۸
نحوه آموزش کودکان در مدارس داعش را تأیید می‌نمایم.	فراوانی	۰	۰	۲۱	۲۲۴
	درصد	۰	۰	۵,۳	۳۸,۸

اجتماعی

افکار اقتصادی: افکار اقتصادی داعش در میان مردم اورامانات با چهار گویه مشخص شده است. با توجه به ارقام آماری ۶۸ درصد مردم مخالف نظریه تامین رفاه اقتصادی مردم در محدوده تحت قلمرو داعش هستند، همچنین ۱۴ درصد تا حدودی موافق تامین رفاه اقتصادی مردم و ۱۸ درصد مردم معتقدند که رفاه اقتصادی در قلمرو گروهک داعش تامین شده است. در گویه دوم ۷۶ درصد مردم مخالف نظریه تامین عدالت اقتصادی در قلمرو تحت نفوذ داعش و همچنین نزدیک به ۱۵ درصد تا حدودی تامین عدالت اقتصادی در قلمرو داعش را تایید و تنها ۹ درصد مردم موافق برقراری عدالت اقتصادی در میان مردم تحت قلمرو داعش هستند. همچنین در گویه سوم ۸۱ درصد مردم مخالف این موضوع هستند که فرصت‌های اشتغال در قلمرو داعش مناسب است. همچنین نزدیک به ۱۸,۸ درصد مردم معتقدند تا حدودی فرصت‌ها برای اشتغال در این گروه مهیا است در حالی که تنها ۲ دهم درصد معتقد بودند که وضعیت اشتغال در منطقه داعش مناسب است. در گویه چهارم ۵۹ درصد مردم اعتقاد دارند که وعده‌های اقتصادی داعش علت اصلی گرایش جوانان به گروهک نیست اما نزدیک به ۱۹ نفر معتقدند تا حدودی وعده‌های اقتصادی در گرایش جوانان به گروه موثر بوده و نزدیک به ۲۲ درصد مردم معتقدند علت اصلی گرایش به داعش وعده‌های اقتصادی این گروه است.

جدول شماره ۲. سنجش افکار اقتصادی گروهک داعش از منظر مردم منطقه اورامانات

کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم	گویه‌ها	
۱۵۰	۱۲۴	۵۷	۳۵	۳۴	فراوانی	
۳۷,۵	۳۱	۱۴,۳	۸,۸	۸,۵	درصد	
۲۵۲	۵۳	۵۹	۳۶	۰	فراوانی	در قلمرو گروهک داعش عدالت اقتصادی برقرار شده است.
۶۳	۱۳,۳	۱۴,۸	۹	۰	درصد	
۲۵۶	۶۸	۷۵	۱	۰	فراوانی	فرصت‌های اشتغال در قلمرو گروهک داعش مناسب است.
۶۴	۱۷	۱۸,۸	۰,۳	۰	درصد	
۲۱۹	۱۷	۷۷	۵۳	۳۴	فراوانی	وعده‌های اقتصادی داعش علت اصلی گرایش جوانان به این گروه است.
۵۴,۸	۴,۳	۱۹,۳	۱۳,۳	۸,۵	درصد	

افکار فرهنگی-مذهبی: اعتقادات مردم اورامانات در مورد افکار و عقاید مذهبی داعش در هفت گویه مورد بررسی قرار گرفته است. در گویه اول میزان سنجش آماری حاکی از این موضوع می‌باشد که بالغ بر ۸۱ درصد مردم ادعاهای داعش در مورد اجرای قوانین صحیح اسلامی را رد نموده و قبول ندارند و تنها ۱۸ درصد مردم معتقدند که داعش تا حدودی قوانین اسلامی را به صورت صحیح انجام می‌دهد و کمتر از ۱ درصد مردم به اجرای صحیح قوانین اسلامی در گروهک داعش اعتقاد دارند. در گویه دوم ۷۲ درصد مردم داعش را به عنوان دولت اسلامی قبول ندارند اما ۱۹ درصد مردم تا حدودی موافق ایجاد دولت اسلامی توسط داعش هستند و همچنین نزدیک به ۹ درصد از مردم داعش را به عنوان حکومت اسلامی قبول دارند. در گویه سوم ۹۰ درصد مردم داعش را به عنوان نماینده اهل سنت و حامی حقوق آنها قبول ندارند و فقط ۹,۸ درصد آن را تا حدودی نماینده اهل سنت می‌پندارند و کمتر از ۲ دهم درصد داعش را نماینده و حامی اهل سنت می‌دانند. در گویه چهارم ۸۹ درصد مردم برخورد داعش با اقلیت‌های مذهبی را تایید نمی‌کنند همچنین نزدیک به ۱۰ درصد مردم تا حدودی برخورد داعش با اقلیت‌ها را تایید و فقط ۲ دهم درصد این برخورد را مناسب می‌دانند. در گویه پنجم همچنین ۸۹ درصد مردم با برخورد داعش با اهل تشیع مخالف بوده و تنها ۱۱ درصد مردم تا حدودی آن را مناسب دیده و کمتر از ۱ درصد نیز موافق برخورد داعش با اهل تشیع می‌باشند.

در گویه ششم قریب به ۸۹ درصد مردم نفوذ گسترده داعش در میان اهل سنت ایران را رد نموده‌اند و حدود ۱۱ درصد مردم تا حدودی موافق این قضیه هستند و آن را تایید می‌نمایند در حالی که کسی موافق نفوذ گسترده داعش در میان اهل سنت

ایران نیست. در گویه هفتم ۸۰ درصد مردم مخالف نظریه گرایش جوانان اهل سنت به دلیل تعصبات مذهبی است و تنها ۲۰ درصد مردم تا حدودی آن را تایید می‌نمایند، در حالی که حتی یک نفر از مردم کاملاً موافق این گرایش‌ها در تعصبات مذهبی نیستند.

جدول شماره ۳. سنجش افکار فرهنگی-مذهبی گروهک داعش از منظر مردم منطقه اورامانات

گویه‌ها		کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی	مخالقم	کاملاً مخالفم
داعش گروهی است که قوانین اسلامی را به صورت صحیح اجرا می‌نماید.	فراوانی	۰	۲	۷۲	۱۳۷	۱۸۹
	درصد	۰	۰,۵	۱۸	۳۴,۳	۴۷,۳
من داعش را به عنوان یکی دولت اسلامی قبول دارم.	فراوانی	۰	۳۵	۷۶	۱۲۲	۱۶۷
	درصد	۰	۸,۸	۱۹	۳۰,۵	۴۱,۸
داعش نماینده اهل سنت است و حامی حقوق آنهاست.	فراوانی	۰	۱	۳۹	۷۲	۲۸۸
	درصد	۰	۰,۳	۹,۸	۱۸	۷۲
برخورد داعش با اقلیت‌های مذهبی مثل مسیحیان و ایزدی‌ها را تأیید می‌نمایم.	فراوانی	۰	۱	۴۳	۱۳۶	۲۲۰
	درصد	۰	۰,۳	۱۰,۸	۳۴	۵۵
برخورد داعش با اهل تشیع را تأیید می‌نمایم.	فراوانی	۰	۱	۴۴	۱۳۶	۲۱۹
	درصد	۰	۰,۳	۱۱	۳۴	۵۴,۸
نفوذ گسترده داعش در میان اهل سنت ایران مورد تأیید می‌باشد.	فراوانی	۰	۰	۴۵	۳۴	۳۲۱
	درصد	۰	۰	۱۱,۳	۸,۵	۸۰,۳
علت گرایش جوانان اهل سنت ایران به داعش در تعصبات مذهبی است.	فراوانی	۰	۰	۸۰	۸۵	۲۳۵
	درصد	۰	۰	۲۰	۲۱,۳	۵۸,۸

فرهنگی - مذهبی

افکار سیاسی: در سنجش افکار مردم اورامانات نسبت به ایده و افکار سیاسی داعش هفت گویه مورد بررسی قرار گرفته است که در گویه اول نزدیک به ۷۳ درصد مردم داعش را تهدیدی برای امنیت ملی کشورمان دانستند، همچنین ۱۹ درصد

مردم تا حدودی آن را به‌عنوان تهدید محسوب کرده‌اند و تنها ۸,۵ درصد مردم آن را به‌عنوان تهدید محسوب نمی‌کنند. در گویه دوم ۸۸ درصد مردم اعتقاد به ابزاری بودن گروهک داعش در دست دشمنان اسلام برای ضربه زدن به اسلام دارند و ۱۲ درصد بقیه تا حدودی معتقدند که داعش ابزار دست نیست اما کسی کاملاً ابزاری بودن داعش در دست دشمنان اسلام را منکر نیست. در گویه سوم ۸۹ درصد مردم مخالف عملکرد داعش در بعد سیاست خارجی بوده و ۱۱ درصد مردم تا حدودی آن را مناسب دیده‌اند، اما کسی کاملاً با آن موافق نبوده است. در گویه چهارم نزدیک به ۸۰ درصد مردم ایجاد امپراتوری داعش را توسط این گروه مردود می‌دانند، نزدیک به ۱۱ درصد تا حدودی آن را تایید و نزدیک به ۹ درصد مردم امپراتوری ادعای داعش را تایید می‌نمایند. در گویه پنجم ۹۰ درصد مردم مخالف شعارهای گروهک داعش در برخورد با سایر ادیان می‌باشند و تنها قریب به ۱۰ درصد مردم تا حدودی آن را تایید می‌نمایند و میزان مقبولیت کامل این شعار داعش در میان مردم تقریباً نزدیک به صفر است. در گویه ششم نزدیک به ۹۵ درصد مردم معتقدند رهبران داعش فاقد استقلال تصمیم‌گیری و مهره‌های سیا و موساد هستند و تنها ۵ درصد از مردم تا حدودی به استقلال و عدم رابطه رهبران داعش با سیا و موساد معتقدند و کسی کاملاً موافق استقلال این رهبران و عدم وابستگی آنها نیست. در گویه هفتم ۸۹ درصد مردم مخالف ایدئولوژی داعش هستند، تنها ۱۱ درصد مردم تا حدودی آن را قبول دارند و میزان مقبولیت کامل ایدئولوژی داعش در میان اهل سنت ایران در حد صفر است.

جدول شماره ۴. سنجش افکار سیاسی گروهک داعش از منظر مردم منطقه اورامانات

گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی موافقم	موت‌المتوسط	کاملاً مخالفم
داعش را تهدیدی برای امنیت کشورمان نمی‌دانم.	۰	۳۴	۷۶	۱۵۲	۱۳۸
	۰	۸,۵	۱۹	۳۸	۳۴,۵
داعش به‌عنوان ابزار دست کشورهای غربی برای مقابله با اسلام عمل نمی‌کند.	۰	۰	۴۸	۸۲	۲۷۰
	۰	۰	۱۲	۲۰,۵	۶۷,۵
عملکرد سیاست خارجه داعش در طول مدت تاسیس مناسب بوده است.	۰	۰	۴۴	۸۷	۲۶۹
	۰	۰	۱۱	۲۱,۸	۶۷,۳

کتابخانه

۲۵۵	۶۷	۴۳	۳۵	۰	فراوانی	ایجاد قلمرو امپراتوری داعش را مردود نمی‌دانم.
۶۳٫۸	۱۶٫۸	۱۰٫۸	۸٫۸	۰	درصد	
۲۵۹	۱۰۴	۳۷	۰	۰	فراوانی	شعارهای گروهک داعش در ضدیت با سایر ادیان و مذاهب را مردود نمی‌دانم.
۶۴٫۸	۲۶	۹٫۳	۰	۰	درصد	
۳۲۶	۵۳	۲۱	۰	۰	فراوانی	رهبان داعش مهره‌های سرسپرده سیاه و موساد نیستند و مستقل عمل می‌کنند.
۸۱٫۵	۱۳٫۳	۵٫۳	۰	۰	درصد	
۲۵۴	۱۰۳	۴۳	۰	۰	فراوانی	ایدئولوژی داعش مورد تأیید اهل سنت می‌باشد.
۶۳٫۵	۲۵٫۸	۱۰٫۸	۰	۰	درصد	

همان‌طور که بیان شد جهت سنجش افکار عمومی مردم منطقه اورامانات در مورد گروهک داعش پرسشنامه‌ای ساخت یافته تنظیم شده و میان ۴۰۰ نفر از ساکنان منطقه توزیع گردید. نتایج حاصل از آزمون T test در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید نتایج حاصل نشان می‌دهد که بالاترین میانگین به ترتیب مربوط به افکار اقتصادی (۱٫۹۰) است و در ادامه آن افکار اجتماعی (۱٫۶۶)، افکار فرهنگی مذهبی (۱٫۵۹۹) و افکار سیاسی (۱٫۵۳) قرار دارند. در مجموع میانگین تمام ابعاد مورد بررسی کمتر از حد متوسط است که تفاوت معناداری نیز با سطح متوسط ۳ دارند. نتایج حاصل از آزمون T test تک نمونه‌ای در جدول شماره ۵ به صورت تفصیلی نشان داده شده است.

جدول شماره ۵. نتایج حاصل از آزمون T test تک نمونه‌ای در مورد تمام ابعاد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

میانگین کل	معناداری تفاوت	اختلاف میانگین	میانگین	شاخص	رتبه‌بندی
۱٫۶۶	۰۰۰	-۱٫۳۴	۱٫۶۶	شعارهای داعش در مورد عدالت و برابری را تایید می‌نمایم.	آینده‌نگار
	۰۰۰	-۱٫۵۲	۱٫۴۸	برخورد داعش با حقوق زنان را مناسب می‌دانم.	

		۱,۸۳	-۱,۱۷	۰,۰۰	در گروهک داعش زمینه برای تحصیل و پیشرفت علمی مردم فراهم است
		۱,۸۲	-۱,۱۸	۰,۰۰	نحوه مبارزه گروهک داعش را با مفاسد اجتماعی تأیید می‌نمایم.
		۱,۴۹	-۱,۵۱	۰,۰۰	نحوه آموزش کودکان در مدارس داعش را تأیید می‌نمایم.
۱,۹۰		۲,۱۹	-۰,۸۱	۰,۰۰	در منطقه تحت قلمرو گروهک داعش رفاه اقتصادی مردم تأمین شده است.
		۱,۶۹	-۱,۳۱	۰,۰۰	در قلمرو گروهک داعش عدالت اقتصادی برقرار شده است.
		۱,۵۵	-۱,۴۵	۰,۰۰	فرصت‌های اشتغال در قلمرو گروهک داعش مناسب است.
		۲,۱۶	-۰,۸۴	۰,۰۰	وعده‌های اقتصادی داعش علت اصلی گرایش جوانان به این گروه است.
۱,۵۹		۱,۷۱	-۱,۲۹	۰,۰۰	داعش گروهی است که قوانین اسلامی را به صورت صحیح اجرا می‌نماید.
		۱,۹۴	-۱,۰۶	۰,۰۰	من داعش را به‌عنوان یک دولت اسلامی قبول دارم.
		۱,۳۸	-۱,۶۲	۰,۰۰	داعش نماینده اهل سنت و حامی حقوق آنهاست.
		۱,۵۶	-۱,۴۴	۰,۰۰	برخورد داعش با اقلیت‌های مذهبی مثل مسیحیان و یزیدی‌ها را تأیید می‌نمایم.
		۱,۵۶	-۱,۴۴	۰,۰۰	برخورد داعش با اهل تشیع را تأیید می‌نمایم.
		۱,۳۱	-۱,۶۹	۰,۰۰	نفوذ گسترده داعش در میان اهل سنت ایران مورد تأیید می‌باشد.
		۱,۶۱	-۱,۳۹	۰,۰۰	علت گرایش جوانان اهل سنت ایران به داعش در تعصبات مذهبی است.
۱,۵۳		۲,۰۱	-۰,۹۹	۰,۰۰	داعش را تهدیدی برای امنیت کشورمان نمی‌دانم.
		۱,۴۴	-۱,۵۶	۰,۰۰	داعش به‌عنوان ابزار دست کشورهای غربی برای مقابله با اسلام عمل نمی‌کند.
		۱,۴۳	-۱,۵۷	۰,۰۰	عملکرد سیاست خارجه داعش در طول مدت تأسیس مناسب نبوده است.
		۱,۶۴	-۱,۳۶	۰,۰۰	ایجاد قلمرو امپراتوری داعش را مردود نمی‌دانم.
		۱,۴۴	-۱,۵۶	۰,۰۰	شعارهای گروهک داعش در ضدیت با سایر ادیان و مذاهب مردود است.
		۱,۲۳	-۱,۷۷	۰,۰۰	رهبران داعش مهره‌های سرپرده سیاه و موساد نیستند و مستقل عمل می‌کنند.
		۱,۴۷	-۱,۵۳	۰,۰۰	ایدئولوژی داعش مورد تأیید اهل سنت می‌باشد.

نتیجه

با توجه به سنجشی که صورت گرفته و آماری که در رابطه با چهار موضوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده می‌توان به نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و در جایی یکسان اقشار مردم در مورد هر یک از شاخص‌های مطرح در نظرسنجی دست یافت. به‌عنوان مثال می‌توان به آمار قابل ملاحظه مخالفت مردم با اندیشه‌ها و افکار و عملکرد گروهک داعش اشاره نمود که نشان‌دهنده مخالفت قاطع مردم با میزان ۸۵ درصد با این گروهک در هر شکل ممکن می‌باشد. همچنین از میان اقلیت کوچکی که تمایل به داعش داشته‌اند با توجه به آمار موجود از میانگین متوسط ۳ حدود ۱,۹۰ مربوط به گرایش‌های اقتصادی است که نشان از اهمیت مقوله اقتصادی در رابطه با گرایش این افراد به داعش دارد و این نشان‌دهنده وضع نامطلوب مردم از لحاظ اقتصادی هست. امید است مسئولان با نگاهی ویژه و مخصوص به این قضیه در جهت رفع

مشکلات اقتصادی منطقه مانع از تحقق اهداف این گروهک و سایر گروهک‌های معاند در جهت جذب مردم این خطه با وعده‌های مالی و وضع زندگی بهتر گردند و این مهم فقط با تلاش مضاعف و همتی راستین از طرف دولتمردان میسر است. در بعد شاخص اجتماعی ۱,۶۶ از مردم که پایین‌تر از متوسط میانگین ۳ قرار دارد، به داعش گرایش دارند که نشان از نارضایتی آنان از نابرابری اجتماعی در سطح منطقه دارد و به نظر می‌رسد دلیل آن را در بی‌عدالتی‌های موجود در سطح جامعه پنداشت که از دید مردم پنهان نمانده و موجب نارضایتی شدید این عده از وضع اجتماعی شده که به‌صورتی خواستار کاهش شکاف طبقاتی و مبارزه با مفساد اجتماعی هستند.

در بعد فرهنگی و مذهبی میزان گرایش ۱,۵۹ از میانگین متوسط ۳ می‌باشد که نشان از این قضیه دارد که حتی کسانی که به نوعی تمایل یا گرایش به داعش داشته‌اند به خاطر تعصبات مذهبی نبوده یا درصد بسیار کمی از آنان دارای چنین گرایشی بودند و در این رابطه نباید نگرانی چندانی وجود داشته باشد و این نشان از اتحاد بین مذاهب در کشور است تا جایی که حتی در مذهبی‌ترین نقاط اهل سنت مثل اورامانات این اتحاد و احترام در میان مردم منطقه در سطح بسیار بالا و خوبی قرار دارد و نشان از شکست توطئه اختلاف مذهبی دارد. امید است که مردم هوشیار و با بصیرت ایران قدر این اتحاد و برادری را بیش از پیش دانسته و در حفظ آن کوشا باشند تا ایران اسلامی در میان این دریای متلاطم و طوفانی همچنان جزیره امن باقی بماند. با نگاهی به درگیری‌ها و اختلافات مذهبی در سطح کشورهای همسایه باید قدردان این امنیت و وحدت در کشور باشیم.

در بعد سیاسی میزان گرایش ۱,۵۳ از میانگین متوسط ۳ می‌باشد که کمترین میزان گرایش محسوب می‌شود و نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که کسانی که خواستار پیوستن یا تمایلی به داعش داشته‌اند، کمترین خواسته آنها سیاسی بوده و این خود نشان از ثبات سیاسی در منطقه اورامانات دارد، به‌طوری که مردم خود را عضو لاینفک و همیشه ایرانی سرزمین مادر یعنی ایران می‌دانند، زیرا مردم کرد از اصیل‌ترین قوم ایرانی محسوب شده و با درک درست این واقعیت حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در سطح منطقه کردستان را به سخره می‌گیرند و به این قضیه واقف هستند که کرد بدون ایران یا ایران بدون کرد معنایی ندارد؛ به گفته مقام معظم رهبری که در جمع مردم کردستان در سال ۱۳۹۰ مطرح فرمودند: «چون دل این مردم با گروه‌های جدایی‌طلب نبود، آنان موفق نشدند و اگر عکس این می‌بود و مردم از آنان استقبال می‌کردند حتی اگر دولت بیشترین نیروها را هم به‌کار می‌گرفت کردستان از دست رفته بود»، پس بنابراین این مردم کرد بودند که دست رد به سینه ضد انقلاب گذاشتند و از امام و انقلاب طرفداری نمودند. در قضیه داعش نیز این موضوع به وضوح قابل فهم است که مردم از نظر سیاسی مخالفتی با جمهوری اسلامی ندارند و خود را همیشه ایرانی می‌دانند و تنها قضیه‌ای که توانسته تا کنون تعدادی از جوانان منطقه را به سوی داعش سوق دهد، گرایش‌های اقتصادی و تا حدودی نبود عدالت اجتماعی بوده که امید مردم این است که مسئولان استانی و کشوری بیش از پیش به فکر ایجاد زیربناها و طرح‌های اشتغال‌زا جهت شاغل و سرگرم شدن این جوانان باشند، زیرا به راستی مردم این خطه در تمام صحنه‌های انقلاب حضور گسترده داشته و وفاداری خود را به آرمان‌های انقلاب بیش از همه ثابت نموده‌اند. شاید اگر بتوان توجه شایانی به اشتغال و معیشت جوانان منطقه داشت، دیگر خبری از اندیشه داعشی در منطقه شنیده نمی‌شود و رژیم صهیونیستی اسرائیل از این محل خرسند نخواهد شد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- امامی، محمدعلی (۱۳۷۶)، سیاست و حکومت در سوریه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲- بلک، آنتونی (۱۳۸۵)، تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام از عصر پیامبر تا الان، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.

- ۳- بنساحل، نورا و دانیل بایمن (۱۳۸۶)، آینده محیط امنیتی در خاورمیانه، ترجمه ناصر قبادزاده و علی گل محمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- بی‌نام (۱۳۹۱)، «زرقاوی ضحاک عراق»، ماهنامه مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال دوم، شماره ۵ و ۶.
- ۵- ثاقب (۱۳۹۳)، «ویژه‌نامه داعش»، ماهنامه الکترونیک جهان اسلام، شماره ۲۰، سال چهارم.
- ۶- دکمچیان، هرایرد (۱۳۷۷)، اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۷- رشید رضا (۱۹۲۰)، الاخلافة او الامامة العظمی، ترجمه محمدحسین رفیعی، کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی.
- ۸- رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، آرا و اندیشه‌های محمد رشید رضا، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۹- رویوران، حسین (۱۳۹۳)، «داعش و کارکردها»، مجله پاسدار اسلام، سال سی و سوم، شماره ۳۹۳-۳۹۴، آبان و آذر.
- ۱۰- سید قطب (۱۳۷۸)، نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، تهران: نشر احسان.
- ۱۱- عشاوی، قاضی محمد سعید (۱۳۷۹)، «اسلام سیاسی، قاهره»، ترجمه حمید احمدی، مجله مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۳، پاییز.
- ۱۲- عنایت، حمید (۱۳۶۳)، سیری در اندیشه سیاسی عرب، چاپ سوم، تهران: سپهر.
- ۱۳- فراتی، عبد الوهاب (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر چیستی گروه‌های جدید تکفیری در خاورمیانه»، پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه پژوهشی فهیم، شماره ۲۱، آذر.
- ۱۴- فراتی، عبد الوهاب (۱۳۹۳)، چرا ایدئولوژی تکفیری برای بعضی‌ها جذاب است، خبرگزاری فارس.
- ۱۵- ماهنامه ارتش (۱۳۹۳)، شماره ۳۹۹، تیر.
- ۱۶- معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس (۱۳۸۶)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه.
- ۱۷- میلانی، جمیل (۱۳۹۳)، «داعش و شگردهای رسانه‌ای»، مجله رسانه و امت، شماره ۳۱، ۸۹-۱۰۰.
- ۱۸- واعظی، محمود (۱۳۹۰)، بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی خاورمیانه.

منابع غیرفارسی

- ۱- طبقات الشافعیه، ج ۹، ص ۲۵۳؛ السیف الصقیل، ص ۱۷۷ و الدرّة المضینة فی الردّ علی ابن تیمیّه، ص ۵.
- ۲- سیف الجبار المسلول علی الاعداء، شاه فضل رسول قادری، استانبول ۱۳۹۵ ق، ص ۲ به بعد.
- ۳- رشید رضا، المنار، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴، ص ۴۴۳.
- ۴- الغنوسی، حسن (۱۹۷۷)، دعاة لا قضاة، قاهره.
- ۵- الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، ج ۱، ص ۱۵۵.
- ۶- ابن غنّام مؤرخاً لنجد فی عهد الدولة السعودية الأولى، ۲، عبدالله الصالح العثیمین، روزنامه جزیره السعودیه، ش ۲، ۱۲ جمادی الاولی ۱۴۲۳ق.
- ۷- ابن غنّام مؤرخاً لنجد فی عهد الدولة السعودية الأولى، ۴، عبدالله الصالح العثیمین، روزنامه جزیره السعودیه، ش ۲، ۲۶ جمادی الاولی ۱۴۲۳ق.
- ۸- الشوکانی، محمد بن علی (۲۰۱۲)، البدر الطالع بما حسن من بعد القرن السابع، ج ۲، دار الکتب اسلامی.
- ۹- عسقلانی، ابن الحجر، ۷۷۳-۸۵۲: الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، ج ۱، ص ۱۵۵.